

بررسی نقش فرهنگ عاشورایی در تمدن نوین اسلامی

سیده مرضیه یثربی^۱، مبینا قاسمی^۲، افسانه کاظمی^۳

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد
۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه شاهد
۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد

چکیده

فرهنگ زیربنای تمدن است و فرهنگ غربی، تمدن غربی و فرهنگ اسلامی، تمدن اسلامی را به وجود می‌آورد. همزمان با ورود مدرنیسم به جامعه ایران، تمدن ایران اسلامی تحت‌الشعاع فرهنگ غربی قرار گرفت. بنابراین احیای فرهنگ اسلامی در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی در جامعه ما اهمیت و ضرورت ویژه‌ای می‌یابد. عاشورا به عنوان فرهنگ برآمده از اندیشه امامت، منشاء تحولات بنیادینی در تاریخ اسلام گردیده است. از این رو حماسه عاشورا بعنوان فرهنگ سیاسی تشیع، عمیق‌ترین و گویاترین رهنمود برای نهضت‌ها بخصوص نهضت‌های اسلامی است و الگوی بسیاری از حرکت‌های سیاسی اسلامی می‌باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، تاثیر مولفه‌های تمدن‌ساز فرهنگ برآمده از عاشورا را بر احیای تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار داده است. در این راستا با مراجعه به منابع موجود، مولفه‌های اصلاح‌طلبی، آزادگی و عزت‌مداری، استقامت و مقاومت، احیای مکتب شهادت، ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری به‌عنوان مولفه‌های سیاسی فرهنگ عاشورا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از پژوهش موید این مطلب است که فرهنگ عاشورا از ظرفیت کافی برای تقابل با فرهنگ و تمدن غربی برخوردار است و گزاره‌های لازم را برای تمدن‌سازی و ایجاد پیشرفت مادی و معنوی در بستر خود دارد. چنان‌که در وقوع انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از این فرهنگ وسیع توسط امام امت و مردم، نخستین حلقه از زنجیره تمدن نوین اسلامی شکل گرفت.

کلمات کلیدی: فرهنگ، فرهنگ عاشورایی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

تمدن نوین اسلامی، آرمان و چشم انداز بزرگ همه انبیا و اولیای الهی از زمان های دور تا به امروز بوده است. آرزوی همه حقیقت جوین عالم این بوده است که بتوان ساختاری برپایه عزت و عدالت در جهان ایجاد نمود که این آرزو با زمان و دوران ما مصادف شده است. پس از آن که پیامبر گرامی اسلام(ص) پیام تعالی بخش اسلام را برای بشریت به ارمغان آورد، در دوره ای کوتاه جامعه اسلامی از اهداف و ارزش های اسلامی به واسطه ظلم و تعدی دستگاه حاکم دور گشت، اما با قیام امام حسین(ع) که با هدف اصلاح جامعه صورت گرفت، این ارزش های والا مجددا احیا شد و با گذشت و ایثار آن امام، بشریت دوباره در مسیر درست خویش قرار گرفت. حادثه عاشورا از این جهت که از تمامی جنبه های اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، توحیدی، عرفانی و اعتقادی برخوردار است عصاره کل فضیلت های بشری است. بنابراین می توان بیان کرد که نهضت امام حسین(ع) در سال ۶۱ هجری قمری به نوعی زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی را در آینده فراهم ساخت. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران که به پیروی و الگوگیری از نهضت عاشورا به وقوع پیوست، نقطه عطف دیگری برای دستیابی به آن آرمان تحقق یافت که سرعت وصول به تمدن نوین اسلامی را چندبرابر نمود. این پژوهش در نظر دارد که با بیان برخی از مولفه های نهضت حسینی و فرهنگ عاشورایی و اشتراک آن با تمدن نوین اسلامی، جایگاه فرهنگ عاشورا را در تمدن نوین اسلامی روشن و تبیین نماید.

الف- تعریف مفاهیم

فرهنگ

فرهنگ را می توان جزو مولفه های اصلی هر جامعه انسانی دانست که در جهت دهی مسیر حرکت و در بنیان هر جامعه تاثیر بسزایی دارد. فرهنگ شامل زیرشاخه هایی مانند فرهنگ اجتماعی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ سیاسی و... می شود که در این میان نقش بی مانند فرهنگ سیاسی بر سرنوشت یک جامعه جای بحث و دقت نظر فراوان دارد. فرهنگ تشیع از قابلیت ها و ظرفیت های فراوانی برای تمدن سازی برخوردار است، همان طور که به عنوان عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی برخوردار است. مکتب عاشورا، به ویژه در سال های اخیر نقش مؤثری در ایدئولوژی پروری در سطح خاورمیانه ایفا کرده است. این ایدئولوژی شامل دو بخش است:

یک بخش از این ایدئولوژی ظلم ستیز شامل کنار گذاشتن تقیه و جواز شورش و طغیان علیه نظام استکبار
بخش دوم آن عبارت است از انحصار مشروعیت حاکمیت سیاسی به ولایت فقیهان عادل (بی نا، ۱۳۸۵: ۷).

فرهنگ اسلامی و فرهنگ عاشورا

فرهنگ اسلامی مجموعه آموزه هایی را در بر می گیرد که از کتاب، سنت و عقل استخراج می شود. فرهنگ عاشورا ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می شود و شامل گفتار، رفتارها و اخلاقیات شاخص و مفاهیم جاری در حوادث عاشورا را در بر می گیرد و در واقع زیربنای فکری و فرهنگی امام (ع) و یارانش را تشکیل می دهد. از این رو مبارزه با ستمگران و تقویت روحیه فرهنگ جهاد، شهادت و صبر برای تحقق تمدن جهانی امام عصر(عج) ضروری است (غلامی و حسن خانی، ۱۳۹۴: ۲۹۲).

مجموعه آن باورها و ارزش ها و مفاهیم را می توان در عنوان های زیر خلاصه کرد: مقابله با تحریف دینی، مبارزه با ستم طاغوت ها، و جور حکومت ها، عزت و شرافت انسان، ترویج مرگ سرخ بر زندگی ذلت بار، پیروزی خون بر شمشیر و شهادت بر فاجعه، شهادت طلبی و آمادگی برای مرگ، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سنت های اسلامی، فتوت و جوانمردی حتی در برخورد با دشمن، نفی سازش با جور یا رضایت به ستم، اصلاح طلبی در جامعه و... .

منظور از فرهنگ عاشورا مجموعه مفاهیم، سخنان، اهداف و انگیزه ها، شیوه های عمل، روحیات و اخلاق والایی است که در نهضت کربلا گفته شده یا به آن عمل شده یا در حوادث آن نهضت تجسم یافته است. این ارزش ها و باورها هم در کلمات سیدالشهدا و فرزندان و اصحاب ایشان متجلی است و هم در رفتارشان در جریان آن قیام. همین فرهنگ است که در هر جا و در میان هر قومی باشد، کربلافرین می گردد. فرهنگ عاشورا همان زیربنای عقیدتی و فکری است که در امام حسین(ع) و شهدای کربلا و اسرای اهل بیت(ع) بود و سبب پیدایش آن حماسه و ماندگاری آن قیام شد (نگارش، ۱۳۸۶: ۱۱۰). حادثه شهادت امام حسین(ع) و خون هایی که ریخته شد، می توانست به محدود شدن و از بین رفتن اندیشه اسلام ناب منجر شود، اما با ابتکار و مدیریت ائمه(ع) توانست به حیات اندیشه اسلامی بینجامد.

تمدن

کلمه «تمدن» در زبان عربی از «مدن» اخذ شده است و در معنای لغوی به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. این کلمه ترجمه «Civilization» است که از کلمه لاتینی «Civilis»، متعلق به کلمه «vivilis» یعنی «شارمند» مشتق شده است. یونانیان باستان با این کلمه نشان می دادند که شهر را شکل برتری از زندگی است. در فرهنگ های فارسی نیز تمدن به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن آمده است. به طور کلی اگرچه هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینان ملاک

تمدن است، اما باید توجه داشت که تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع، شهرنشینی معلول تمدن بوده است، نه علت آن. بر اساس گفته جان برنال، شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را به وجود آورد. باشد برای معنی اصطلاحی «تمدن»، تعاریف گوناگونی ارائه شده است و در طول سده‌های اخیر، دچار تحول مفهومی نیز شده است. به عنوان نمونه علامه محمدتقی جعفری تمدن را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است». در کل می‌توان گفت: تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه نشینی است و سهیم شدن در امور اجتماعی و یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن است (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۵).

ب- تمدن و فرهنگ

تمدن در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. در واقع نوع جهان‌بینی و نگرش افراد به زندگی زمینه‌ساز تمدن‌ها را فراهم می‌آورد. در مورد رابطه تمدن و فرهنگ رویکردهای مختلفی مطرح شده است: رویکرد اول: فرهنگ و تمدن را یکی دانسته و معتقدند تمدن همان فرهنگ می‌باشد. برخی از متفکرین اسلامی مانند امام موسی صدر فرهنگ اسلامی را با همین دیدگاه تحلیل کرده است. رویکرد دوم: تمدن و فرهنگ کاملاً متمایز از یکدیگرند و هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. این گروه فرهنگ را شامل عقاید و آفرینش‌های انسانی شامل هنر، ادبیات و غیره می‌دانند و تمدن را به حوزه خلاقیت‌های انسانی در علم و فناوری منحصر می‌کنند. در رویکرد سوم در عین حال که فرهنگ و تمدن را دو چیز مجزا می‌دانند بین آن‌ها ارتباط قائل هستند. این دیدگاه چشم‌انداز گسترده‌تری را ارائه می‌کنند. به عبارت دیگر تمدن بیشتر جنبه علمی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ذهنی و معنوی دارد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۷۰-۳۷۲). مقاله حاضر، از این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است. می‌توان گفت تمدن سیستمی است که سه خرده نظام فکری، ارزشی و عینی را در برمی‌گیرد؛ یعنی تمدن‌های مختلف از فرهنگ یا نظام‌های ارزشی و فکری متفاوت برخوردارند و در واقع این تفاوت‌های بنیادی است که در عینیت مادی جلوه می‌کند. بنابراین نظام‌های فکری - ارزشی یعنی مکاتب و ادیان هر کدام تمدن خاص خود را تولید می‌کنند، البته نقش ادیان الهی در تمدن سازی بسیار برجسته است و رسولان الهی بزرگ‌ترین معماران تمدن تاریخ بوده‌اند. در این میان در بین ادیان الهی تمدن آفرینی اسلام کاملاً آشکار است. به سخن امام خمینی (ره): «اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد بود.» تمدن کنونی غرب که پس از رنسانس خود و بعد از تمدن اسلامی ظهور کرد، با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و در حال حاضر از بحران‌هایی چون بحران معنویت، اخلاقی، خانوادگی، دنیازدگی، خشونت و سکس و مادی‌گرایی صرف رنج می‌برد. از سوی دیگر علائم ظهور تمدن نوین اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز نمایان گردیده است (مظفری، ۱۳۸۷).

ج- عاشورا و تمدن سازی

جامعه تشکل یافته اسلامی در مدینه النبی، واجد همه صفات لازم برای آغاز حرکت تمدنی خود بود. بنابراین حضور پیامبر (ص) در مدینه و تشکیل حکومت را باید در جهت تمدن سازی اسلام برشمرد. پیامبر اکرم (ص) با اقبال مناسب مردم یثرب، نخستین اصول و پایه‌های تمدن و مدنیت جامعه‌اش را بر سعه صدر، حسن تفاهم، نفی استبداد، مهربانی و همزیستی انسان بنیان نهاد. (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۵) اما بعد از پیامبر (ص) انحراف‌های بنیادی در جامعه اسلامی شکل گرفت. این انحراف‌ها زائیده انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود از سقیفه به بعد بود که پس از شهادت علی (ع) به دست سلسله سفیانی و ضد اسلامی اموی افتاد. به گواهی اسناد تاریخی، سران اموی هیچ اعتقادی به اسلام و اصول آن نداشتند و ظهور اسلام و بعثت پیامبر (ص) را جلوه‌ای از پیروزی تیره بنی هاشم بر تیره بنی امیه، در جریان کشمکش قبیلگی در درون طایفه بزرگ قریش می‌دانستند و با یک حرکت خزننده، به تدریج در پوشش اسلام به مناصب کلیدی دست یافتند و سرانجام از سال چهلیم هجری، حکومت اسلامی به دست امویان افتاد. پس از بیست سال حکومت معاویه، پسرش یزید به قدرت رسید که اوج انحراف بنیادی و جلوه‌ای آشکار از ظهور "جاهلیت نو" بود. امام حسین (ع) نمی‌توانست در برابر چنین فاجعه‌ای سکوت کند. در واقع قیام سیدالشهدا (ع) نقطه عطفی برای حرکت به سوی ایجاد یک تمدن اسلامی است. اما اگر تمدن را به معنای یک حاکمیت و حکومت مقتدر و تمام و کمال بشناسیم که در یک قلمرو وسیع با همه لوازم و ابزارش ایجاد شده باشد، بعد از سیدالشهدا (ع) چنین حاکمیتی وجود نداشته است. اگر در برخی مقاطع حکومتی هم بوده، حکومتی غیراسلامی بوده است یا ظاهر اسلامی داشته ولی همه لوازم آن محیا نبوده است. با رویکرد و قیام سیدالشهدا (ع) می‌توان به دنبال ایجاد یک تمدن اسلامی مبتنی بر تفکر ایشان

بود. سیدالشهدا(ع) تجلی سختگیری و شدت بر کفار و دشمنان است. ایشان در روز عاشورا دو جلوه الهی را در حقیقت متجلی کردند. از یک طرف از قیام ایشان اوج محبت، عاطفه و معویت و حرانیت را در رابطه امام حسین(ع) با اصحابشان و از طرف دیگر اوج مقاومت سیدالشهدا(ع) در برابر دشمنان مشاهده می‌شود. این امر تجلی آیه شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. ما می‌توانیم با الهام از این قیام عظیم سیدالشهدا(ع) که تا تاریخ باقی است این قیام هم باقی است و روز به روز گسترده تر خواهد شد (سبحانی نیا، ۱۳۹۵).^۱

از کلمات و روش امام حسین (ع) مشخص می‌شود که حضرت برای اصلاح جامعه تلاش کردند و اصلاح جامعه را در احیای امر به معروف و نهی از منکر می‌دیدند. ایشان این کار را انجام می‌دادند، اما برای اصلاح جامعه‌ی آن زمان فقط دو راه وجود داشت: یک راه تشکیل حکومت و راه دوم شهادت بود. مردم آن زمان می‌فهمیدند که تشکیل حکومت توسط حسین بن علی (ع) می‌تواند جامعه را اصلاح کند، اما معتقد بودند که ایشان موفق نمی‌شود و به همین دلیل، ایشان را یاری نکردند، اما آن‌ها این موضوع را نمی‌فهمیدند که خون حسین بن علی هم می‌تواند جامعه را اصلاح کند. به همین دلیل، امام حسین (ع) فرمودند که «هرکس به من ملحق شود، شهید می‌شود و هرکس به من ملحق نشود به پیروزی نمی‌رسد.» در واقع امام حسین (ع) ایمان دینی را زنده کردند. هسته مرکزی فرهنگ، اعتقادات است که اگر سست شود، ارزش‌ها، احکام و سنت‌ها هم از دست می‌رود. امام حسین (ع) با قیام خود، اعتقادات را محکم کردند و اجازه ندادند که باور به رسالت رسول خدا و نبوت ضایع شود. بنی‌امیه می‌خواستند اعلام کنند که دیگر اندیشه توحید و نبوت بر مبنای اسلام باطل است و باید به دوران جاهلیت و بت‌پرستی بازگردیم، اما امام حسین (ع) با بیدار کردن ارادت مردم به خدا و رسول اجازه ندادند که کسی جرئت انجام چنین کاری را پیدا کند. این‌گونه بسیاری از ارزش‌ها و احکام اسلامی هم از دل همین اعتقادات جوانه زد. وقتی فرهنگ اسلامی ماند، زمینه برای حکومت و تمدن اسلامی نیز فراهم شد؛ یعنی از دل دین اسلام، حکومت اسلامی و از دل حکومت اسلامی تمدن اسلامی جوانه زد. امام حسین (ع) این اعتقادات را بعد از شهادت خود، فوراً در دل‌ها زنده کردند. تأثیر مهم دیگر، احیای تشیع در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بود. امام حسین (ع) با قیام و شهادت خود اجازه ندادند که تشیع نابود شود، به طوری که بعد از آن در کوتاه‌مدت قیام مختار و قیام توابع رخ داد و در میان‌مدت سنت‌های عزاداری مرسوم و عزاداری تبدیل به یک نهضت فرهنگی در تاریخ شد. حتی در زمان متوکل عزاداری سیدالشهدا و زیارت ایشان در تاریخ بسیار باب شده بود. سپس تشیع مدام گسترش پیدا کرد و حکومت‌هایی مثل آل بویه و صفویان به وجود آمدند و در بلندمدت حکومت شیعه باقی ماند تا حکومت اسلامی ایران از دل این فرهنگ سر برآورد. ما با نام سیدالشهدا این حکومت را به نتیجه رساندیم. با حماسه‌ی حسینی انقلاب کردیم، با حماسه حسینی جنگ را پیش بردیم و هم‌اکنون با حماسه‌ی حسینی می‌خواهیم تمدن اسلامی را احیا کنیم. درست است که به بسیاری از ارکان اسلام عمل نمی‌شود، کم‌اینکه در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) هم عده‌ای اجازه نمی‌دادند که احکام اسلام اجرا شود، اما خمیرمایه‌ی حکومت انقلابی این پتانسیل را در خود دارد که به مرور زمان، به همه‌ی ارکان اسلامی عمل کند. می‌توان گفت در حال حاضر، انقلاب شیعیان لبنان و آنچه در عراق و یمن اتفاق می‌افتد، مرهون خون سیدالشهدا و تأثیر تاریخی آن عمل است (سلیمانی امیری، ۱۳۹۳).^۲

اندیشه شکل‌گیری و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی، دغدغه اصلی متفکران و رهبران جمهوری اسلامی است. اهمیت این مساله زمانی روشن می‌شود که بدانیم اساساً انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن در صورتی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و در عرصه نظری و عملی بعد جهانی پیدا نماید که به سطح تمدن ارتقا یابد. به این ترتیب اسلام از مرحله معرفی در قالب یک فرهنگ و بعد در قالب یک ایدئولوژی به مرحله عالی و نهایی خود اسلام به عنوان بهترین تمدن گذر می‌نماید. به این معنا که تمدن صورت خاص و مادی زندگی اجتماعی بر مبنای فرهنگ و تفکر خاص است و مجموعه ابزار مادی و معنوی بشر را تحت مجموعه‌ی واحدی در می‌آورد که منبعث از فرهنگ خاصی است. با توجه به تحولات اخیر در سطح منطقه و جهان و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، تداوم و حیات انقلاب اسلامی ایران جز از طریق تعمیم آن به تمدن امکان‌پذیر نیست. (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۲۹ و ۱۳۰). جمهوری اسلامی با تکیه بر فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در کنار امکانات نظامی، سیاسی و یک سری عوامل و ظرفیت‌ها موجب شده به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای برای تمدن‌سازی اسلامی مطرح باشد (همان، ۱۴۳).

^۱ گفتگو با سبحانی نیا، خبرگزاری رسمی حوزه: <http://hawzahnews.com/detail/news/395775>

^۲ گفت‌وگو با سلیمانی امیری، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان: <http://borhan.ir/nsite/fullstory/news/?id=7922>

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادی و نظری می‌باشد که در آن از منابع شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و سایت‌های معتبر استفاده شده است. برای بررسی تاثیر مولفه‌های تمدن‌ساز فرهنگ برآمده از عاشورا بر احیای تمدن نوین اسلامی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری بوده است.

یافته‌ها

با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعاتی که در راستای تحقیق صورت گرفته است، مشخص شد که مولفه‌های زیادی در فرهنگ عاشورا وجود دارد که رابطه مستقیمی با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارند که از آن جمله است: قیام آفرینی، ظلم ستیزی، شهادت طلبی، مقاومت و جهاد، اصلاح طلبی، زندگی مبتنی بر عزم، عزت و آزادی، وفای مبتنی بر عهد و پیمان، عدالت گستری، از همه چیز خود در راه احیای دین گذشتن، تلاش برای بیداری از جهالت و... اگرچه ضروری است که همه‌ی این ابعاد و مولفه‌ها مورد بررسی قرار گیرند، اما بررسی همه این ابعاد نیاز به پژوهش‌های جداگانه دارد، بنابراین از بین این مولفه‌ها، شش مولفه‌ی ظلم ستیزی، اصلاح طلبی، عزت و آزادی، صبر و مقاومت، عدالت گستری و شهادت طلبی که به نظر نگارندگان پژوهش حاضر، مولفه‌های جامع‌تری در ارتباط با تمدن نوین اسلامی هستند، مورد بررسی قرار گرفته اند که به آنها پرداخته می‌شود:

۱- ظلم ستیزی

اگر امام بیعت با یزید را می‌پذیرفت و با حکومت ستمگر اموی سازش می‌کرد، مسئول انحراف امت جد بزرگوارش بود و امت دینی تحت ولایت ستمگران زمان خود قرار می‌گرفتند. در صورت بیعت امام با یزید تمامی افراد امت، بیعت با یزید و یزیدیان را می‌پذیرفتند و هرگز اندیشه قیام بر علیه ظلم و فساد را حتی از سر نمی‌گذراندند و در حقیقت قیام بر ضد یزید قیام بر علیه اسلام تلقی می‌شد (نعمه سماوی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

امام به ابعاد ظالمانه حکومت واقف بود و از ایشان خواسته می‌شد که رأی خویش را بفروشد و شاهد حکومت یزید باشد ولی امام نپذیرفت و حکومت در صدد برآمد تا حق مخالفت با حکومت را از ایشان سلب نماید (نورانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۱۸). درس بزرگی که عاشورا در این زمینه به جامعه بشری داده است اینست که باید در برابر ظلم و ستم ستمگران ایستاد هر چند به واسطه این موضع‌گیری مورد مخاطره قرار گیرد و جان او را تهدید نماید. (نظری منفرد، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

روحیه ظلم ستیزی با حاکمان ستم و برپایی قسط و عدل یکی از درس‌هایی است که از حماسه عاشورا می‌توان گرفت و از آن در جهت ایجاد و گسترش تمدن اسلامی بهره برد. آموزه‌های عاشورا بیانگر این واقعیت دینی است که انسان مسلمان نمی‌تواند در برابر ستم و ستمگران سکوت کند و بی تفاوت باشد و اگر سکوت اختیار کند در حکم همان ستمکار است. امام حسین (ع) در نامه ای خطاب به مردم کوفه فرمود: «به جان خودم سوگند امام و پیشوا تنها کسی است که برابر کتاب خدا دآوری کند. دادگر و متدین به دین حق باشد. وجود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند (مزینانی، بی تا: ۶).

تا زمانی که فرهنگ شهادت در جامعه‌ای حکمفرما است، روحیه ظلم ستیزی و عدالت طلبی در آن جامعه تقویت و گسترش می‌یابد و مردم هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند زیر بار ظلم و ستم حاکمان زر و زور روند و تا پای جان در برابر ظلم و ستم ایستادگی کرده و به دنبال عدالت و تسلط در جامعه خواهند بود. نتیجه ایستادگی امام (ع) و یارانش در برابر ستم ستمگران با وجود این‌که منجر به شهادت ایشان گردید، استراتژی جدیدی را پیش روی بشر گشود که برای رسیدن به هدف مقدس و متعالی و ریشه‌کردن مفاسد در جامعه انسانی، باید به قیمت جان و مال ایستادگی کرد. نتیجه این ایستادگی، افشای چهره بنی‌امیه به جهانیان بود و علیرغم شکست ظاهری روحیه عزت را به مسلمانان آموخت. ایمان و باور راه و روش ائمه و رواج همین روحیه بود که بعد از شهادت سیدالشهدا قیام توابعین و غیره را رقم زد و همواره در طول تاریخ نهضت‌های اسلامی، حرکت‌ها و شورش‌های متعددی را موجب گردید. وجود فرهنگ ایستادگی و ظلم ستیزی در جوامع اسلامی کنونی و تجمیع آن‌ها در جهت غلبه بر دشمنان، قدرت عظیمی را پدید می‌آورد که زمینه‌ساز تمدن والای اسلامی را پدید می‌آورد.

۲- اصلاح طلبی

مقصود از اصلاح در واژه اصلاح طلبی، اصلاح اجتماعی است و اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن در جهت مطلوب یا رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب. اساسا هویت و ماهیت قیام عاشورا احیاءگری و اصلاح‌گرایی بوده است و نهضت‌حسینی در جهت احیای اندیشه و تفکر اسلام ناب نبوی و مبارزه با همه انحرافات، تحریف‌ها، کژاندیشی‌ها، تخریب و جمودگرایی‌ها و فسادهای فردی و اجتماعی بوده است و عنصر احیاءگری و اصلاح‌کننده «امر به معروف و نهی از منکر»، همه حوزه‌های دینی و انسانی، فردی و اجتماعی را شامل شده است. قیام عاشورا الگویی بسیار مهم و کارآمد در احیای اندیشه دینی و اصلاح اجتماعی خواهد بود و با بافت و هویت دینی جامعه اسلامی و انقلابی

ما نیز سازگاری بیشتری دارد و در عین حال آئینه زلال و صافی برای نقد جایگاه و منزلت ما قرار می‌گیرد. چنانچه واقعه عاشورا سرآغاز و الگوی آفرینش انقلاب اسلامی بود، باید منشا خیزش نوین و بازسازی و بازپروری دوران‌های جدید این انقلاب و نظام الهی و اسلامی نیز قرار گیرد تا نهضت حسینی در حدوث و استمرار و بقای آن نقش محوری و بنیادین داشته باشد. (رودگر، ۱۳۸۱).

مقصود از اصلاح، آن بود که تفکر سیاسی مردم و حاکمان و نیز رفتار سیاسی مردم مسلمان به موازات اصول اسلامی سامان یابد و اصلاح شود، اما خلافت بنی امیه اقدام اصلاحی را برنناخت و با سوء تدبیر چنان کرد که سرانجام فاجعه ای خونین برجای ماند. در حرکت اصلاحی نه براندازی خلافت هدف است و نه دفاع از کیان و موجودیت امامت؛ بلکه امام (ع) بنا به وظیفه الهی خود به حرکتی عملی برای اصلاح اعمال مخرب که اصول هدفمند نبوی و اسلامی را تحت الشعاع خود قرار می‌داد دست زد. انحراف در خلافت تا حدی که اساس اسلام را از اصول اولیه تهدید نکند قابل تحمل است، اما اگر اساس اسلام در معرض نابودی باشد، بر امام (ع) بعنوان زعیم منصوب الهی است که با صدای بلند و با پافشاری جانانه برخیزد و اصول راستین اسلامی را فریاد زند. در این امر، مخاطب امام حسین(ع) فقط به زمامداران و خلیفه محدود نیست، بلکه کلیت امت اسلامی اعم از خلیفه و مسلمانان در حوزه خطاب امام (ع) جای می‌گیرند. مقصود امام (ع) اصلاح در ساختار امت اسلامی بود (نجفی، رهبر، ۱۳۸۸).

جامعه ای که از معیارهای اصیل دین و ملاک های ارزشی فاصله بگیرد، فساد در پیکره آن ریشه می‌دواند و روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی و آنچه میان حاکم و ملت پیش می‌آید، دچار انحراف از صراط مستقیم می‌شود. گسترش بی بندوباری و رواج ظلم و حاکمیت پول و حیف و میل بیت المال مسلمین و تعرض بی مورد نسبت به زندگی و مال و جان مسلمانان و عدم امنیت و عدالت، گوشه ای از این فساد اجتماعی است. راه فسادزدایی نیز اقدام های اصلاحی برای متقاعد کردن مسئولان به رفتار عادلانه و اجرای دقیق قانون و عمل به کتاب و سنت است. این نوعی حرکت اصلاح‌گراانه است که امام حسین(ع) نیز در نهضت خویش آن را دنبال می‌کرد و بر اوضاع ناسامان اجتماع، صحنه نمی‌گذاشت و مهر سکوت بر لب نمی‌زد. سیدالشهدا در سخن معروف خویش، با اشاره به این هدف اصلاحی، خروج خویش را با انگیزه طلب اصلاح در امت پیامبر معرفی کرده است: و إنما خَرَجْتُ لِطَلْبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي. این اصلاح‌گری، هم شامل شیوه های رفتاری حکومت جائر و مسئولان می‌شود، هم خصلت ها و عملکرد مردم و امت را دربرمی‌گیرد. ترغیبی که امام حسین(ع) در یکی از خطبه هایش جهت فداکاری و جانبازی دارد، همراه با ترسیمی از اوضاع اجتماعی آن روز است که: آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌گردد؟ پس در چنین شرایطی باید مومن با مبارزه اش مشتاق دیدار خداوند باشد؛ چرا که زندگی در چنین دوره ای مایه ننگ و عسرت است و مرگ، سعادت است. قیام اصلاحی ابا عبدالله الحسین(ع) ریشه در نهضت های اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفسد برچیده شود. (محدثی: ۱۳۸۵).

به طور قطع اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی مورد نظر اسلام، نقد، اصلاح و پاسخگویی در جهت اهداف نظام اسلامی و در چهارچوب آن است. در صورتی که دشمنان اسلام تغییر اصل ساختار دین را هدف قرار داده و اصلاحات از نظر آنان تغییر و تبدیل اسلام به یک مجموعه وابسته و سرسپرده به غرب، بدون دخالت در امور اجتماعی و سیاسی مردم است، در حالی که قرآن کریم این نوع اصلاح طلبان را مفسد معرفی می‌کند، چنانچه رهبر انقلاب در تفسیر آیه ۱۱ سوره بقره می‌فرماید: برای یک ملت، هدف استقلال، هدف رهاشدن از سلطه قدرت‌های بیگانه، هدف رسیدن به ارزش‌های اخلاقی و هدف آلوده نبودن به کالاهای فاسد و پس مانده فرهنگ فاسد غربی و سرباز زدن از این‌ها هدف‌های والایی است که اگر کسی بتواند با یک بینش منصفانه حرکت و جهاد و مقاومت این مردم را مشاهده بکند تایید می‌کند که اگر مانعی برایشان به وجود آوردند، این فسادانگیزی است. قرآن به شکلی قاطع می‌گوید: این‌ها مفسدند اما خودشان نمی‌فهمند و ملتفت نیستند، لذا به خیال خودشان دارند کار خوب می‌کنند و نمونه‌های اینچنینی را می‌توان در جامعه کنونی مشاهده کرد که چیزی می‌گویند و می‌نویسند و یا کاری می‌کنند که در جهت مقابله با این هدف و با این حرکت است و خیال می‌کنند این یک اصلاح است و یک حرکت به نفع مردم یا به نفع کشور است، در حالی که اگر با بینش درست نظر کنیم، می‌بینیم درست در جهت مصالح دشمنان و جهت عکس مصالح ملت است. (خاری آرنی، علی اکبرزاده آرنی، ۱۳۹۴: ۷۳).

لذا لازمه شکل‌گیری تمدن، اصلاح اوضاع نامطلوب جامعه است. زیربنای ایجاد تمدن نوین اسلامی، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای شکوفایی و پیشرفت است و تا زمانی که اوضاع و شرایط نامطلوب جامعه اصلاح و برطرف نشود، نمی‌توان شرایط مطلوب را به وجود آورد. یعنی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، ضروری است که ابتدا جامعه از هرگونه انحراف و فساد که در آن وجود دارد اصلاح شود. امام حسین (ع) در واقعه عاشورا هدف خود را از قیام، اصلاح در امت پیامبر(ص) ذکر کرده اند. بنابراین می‌توان گفت که با وقوع قیام امام حسین(ع)، از همان سال ۶۱ هجری قمری زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم گردید. زیرا اگر جامعه اسلامی از اصول کلی و خطوط اصلی اسلامی منحرف شده باشد، تا زمانی که این انحراف اصلاح نشود نمی‌توان انتظار ایجاد تمدن اسلامی را داشت. بنابراین اصلاح و اصلاحطلبی از پیش شرط های مهم و ضروری در دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

۳- عزت و آزادگی

تمدن مبتنی بر دین و عقلانیت و دانش و اخلاق، عزت آفرین است. عزت به معنای صلابت، غیرت و حالتی است که انسان و ملتی را مقاوم و شکست ناپذیر می‌سازد. تمدن توحیدی عزت آفرین است. زیرا، خداوند عزیز است، تمام خزائن هستی از آن او است، هر کس عزتی کسب می‌کند از برکت دریای بی انتهای اوست. در پرتو الهامات عزت آفرین قرآن، رسول خدا و مسلمانان صدر اسلام در سختترین اوضاع و شرایط حیات سیاسی و معنوی خود، لحظه‌ای دچار تردید نشدند. چرا که آنها یقین داشتند که مرگ و زندگی، عزت و ذلت به دست خداست. حضرت آیت الله خامنه‌ای، عزت را لازمه یک ملت عنوان کرده و آنرا نقطه مقابل احساس حقارت میدانند و می‌فرمایند: "عزت ملی عبارت است از اینکه: یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است (خاری آرنی و علی اکبر زاده آرنی، ۱۳۹۴: ۸۳ و ۸۴). در نهضت حسینی عزت به عنوان یک شاخص مهم جلوه نموده است که این مولفه هم می‌تواند به عنوان الگویی برای تمدن سازی اسلامی مطرح شود. نهضت حسین (ع) حماسه برپا داشتن عزت است و جای جای آن گویای این حقیقت که همه شرافت آدمی به عزت اوست و کسی حق ندارد جز در برابر خدا خود را ذلیل سازد. مومن پیوسته استوار و سازش ناپذیر است و در هر اوضاع و احوالی عزت خود را حفظ می‌کند و مرگ را بر ذلت ترجیح می‌دهد. این راه و رسم در حماسه حسینی بیش از هر چیز جلوه دارد که حسین (ع) از پیامبر عزت، چگونه زیستن، انتخاب کردن و مردن را آموخته بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۳۴: ۱۹).

آن که عزتمند است، دربند زندگی دنیایی، مال و ثروت، جاه و مکنّت و کوچ و رحلت نیست؛ و حسین (ع) برترین نمونه مدرسه پیامبر آموخت که چگونه باید بود و چگونه باید شد. وقتی حربن یزید ریاحی فرمانده سپاه کوفه، راه را بر وی بست و از حرکت کاروان او جلوگیری کرد و او را هشدار داد که اگر دست به شمشیر ببری و جنگی را آغاز کنی، قطعاً کشته خواهی شد. فرمود: «آیا مرا از مرگ می‌ترسانی و آیا کار شما بدانجا رسیده است که مرا بکشید؟ من در پاسخ تو همان سخنی را می‌گویم که برادر اوسی پسرعموی خود گفت، آن گاه که می‌خواست به یاری پیامبر (ص) بشتابد و عموزاده‌اش او را از کشته شدن بیم داد که به کجا می‌روی که در این راه کشته خواهی شد و او چنین سرود: من به سوی مرگ خواهم رفت که مرگ برای جوانمرد ننگ نیست، اگر در جست‌وجوی حق باشد و در راه اسلام جهاد کند؛ و بخواید با ایثار جانش از انسان‌های صالح حمایت کند و با جنایتکاران مخالفت کند و از دشمنی با خدا دوری گزیند. من جان خود را فدا می‌کنم و بقای آن را خواستار نیستم، و بزودی در جنگی سخت با دشمنی بس بزرگ روبه‌رو خواهم شد؛ پس اگر زنده بمانم پشیمانی ندارم و اگر کشته شوم ملامت نشوم، ولی برای تو همین بس که چنین زندگی ذلت بار و ننگینی را سپری کنی» (همان: ۲۶-۳۲).

عزتمندی یاران حسین (ع)

شب عاشورا نمایشی بود از شکست ناپذیری آنان که به وجود حسین (ع) عزت یافته بودند. پس از آنکه دشمن آنان را تا روز بعد مهلت داد و مسلم شد که در نبرد نابرابر روز بعد چه روی خواهد داد، حسین (ع) در میان خاندان و یاران خویش خطبه‌ای خواند و چنین فرمود: «خدای تبارک و تعالی را به نیکوترین ستایش ثنا می‌گویم و او را بر گشایش و سختی می‌ستایم، خدایا تو را می‌ستایم که ما را به پیامبری کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و به دین و آیین دانا کردی و ما را گوش و چشم و دل بخشیدی و از مشرکانمان قرار ندادی؛ اما بعد، یارانی شایسته تر و بهتر از یارانم نمی‌شناسم و خاندانی نیکوتر و خویش دوست تر از خاندان خود سراغ ندارم، خداوند همه تان را از جانب من پاداش نیک دهد؛ بدانید که می‌دانم فردا کارمان با این دشمنان به کجا خواهد کشید، بدانید که من اجازه تان می‌دهم، با رضایت من همگی تان بروید که حقی بر شما ندارم، اکنون شب شما را دربر گرفته است، پس آن را وسیله رفتن کنید. چون حسین (ع) این گونه سخن راند، خاندان و یارانش وفاداری و پایداری و شکست ناپذیری خود را بیان کردند؛ و نشان دادند که هر که عزت یابد، شکست نیابد و تن به خواری ندهد و در دو عالم روسپید ماند» (همان: ۳۲-۴۰).

عملکرد عزت محور حضرت زینب (س)

وقتی ظهر عاشورا فرا می‌رسد و زینب (س) سیدالشهدا را با آن روحیه قوی می‌بیند که دشمنش درباره او می‌گوید: «هرگز تنها مانده‌ای را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و با این حال دلدارتر و شجاع تر از حسین (ع) باشد». او نیز زینب دیگری می‌شود؛ به گونه‌ای که در غل و زنجیر اسارت، از آن چنان اقتدار و عزتی برخوردار است که احدی در مقابل او شخصیتی ندارد. مهم ترین عوامل استوار کننده عزت و اقتدار در وجود مقدس حضرت زینب (س) عبارتند از: توکل و اتصال به سرچشمه عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق‌گرایی و بی‌نیازی جستن از خلق. (بدیع‌یان و میر شاه جعفری، ۱۳۸۸: ۱۵) هنگامی که سربارک امام حسین (ع) را همراه با اسیران اهل بیت در قصر کوفه به حضور حاکم آنجا بردند، عبیدالله بن زیاد خود را فاتح جنگ دانسته، اسیران اهل بیت را مورد سرزنش قرار داد و گفت: سپاس خدای را که شما را رسوا کرد و دروغ شما را آشکار ساخت. زینب که در آن حال در بند اسارت بود، باعزت و اقتدار در پاسخ عبیدالله فرمود: «انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر و هو غیرنا» آنگاه در جواب سؤال حاکم ستمگر کوفه فرمود: «ما جز زیبایی چیزی

ندیدیم، شهدای ما کسانی بودند که خداوند شهادت را برایشان رقم زده بود و آنان به سوی آرامگاه و جایگاه ابدی خود شتافتند و به زودی خداوند میان تو آنان داوری خواهد کرد، آنگاه معلوم می‌شود که پیروز واقعی این جنگ چه کسی است، مادرت به عزایت گریه کند، ای پسر مرجانه». این است همان چیزی که حسین در پی آن بود و این است درس عزت و آزادی که زینب در حال اسارت به همه جهانیان برای همیشه تاریخ آموخت، و این است تجلی عینی آیه قرآن کریم که فرمود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن این منافقان نمی‌دانند. (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۶: ۲۴۳ تا ۲۴۶)

آزادگی (آزادمنشی)

بحث آزادی و حریت در نهضت عاشورا به معنای وارستگی اخلاقی است که شامل «آزادگی» (به معنای تن به ذلت ندادن) و نیز «کرامت نفس و بزرگ منشی» (جوانمردی) می‌شود. امام حسین (ع) به دشمنان خویش می‌فرماید: اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید پس حداقل در دنیا آزاده باشید و اگر عرب هستید به رسم و عادت نیاکان خود عمل کنید. یعنی دین داشتن و ترس از معاد موجب تقوا می‌شود و به انسان اجازه نمی‌دهد که به دیگران ستم کند. ولی راه فطری دیگری هم برای جلوگیری از ظلم هست و آن آزاده بودن است که هر انسانی آزاد آفریده شده و آزادی و آزادگی و احترام به حقوق دیگران را دوست دارد.

دانشمندان در نگرش به راز صعود و سقوط جامعه‌ها، برترین و پایدارترین سرمایه جنبش‌ها را احساس عزت و شخصیت و استقلال اندیشه و ابتکار عنوان می‌کنند، و می‌دانیم که استبداد سیاهکار اموی، گوهر کمیاب احساس عزت و آزادی و شجاعت و ابتکار را در جامعه کشت و از آن مردم زنده و بالنده، به تدریج گورستانی سرد و خاموش پدید آورد! اما نهضت شکست‌ناپذیر و زندگی ساز عاشورا به مردم ذلت زده و تحقیر شده و مقهور خشونت و استبداد، جرأت بخشید تا خود را انسان و صاحب حرمت و کرامت بنگرند، خود را به سان حاکمان و مدیران جامعه دارای حقوق و آزادی و امنیت بخواهند، قدرت و حکومت را برخاسته از خواست خدا و نظارت پذیر و تضمین‌گر حقوق مردم بطلبند، و به خود جسارت و شهامت اندیشه و مقایسه و سنجش و گزینش و نفی آزادانه بدهند (کرمی: ۱۳۹۴، پایگاه اطلاع رسانی حوزه) با تامل در جریان قیام امام حسین (ع) در می‌یابیم که نهضت امام حسین (ع) دارای سه رکن مبارزه با ظالمان حاکم، بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی است و ملتها با الگو گرفتن از قیام عاشورای سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) مبارزه با ظالمان حاکم را برای بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی آغاز کردند. بسیاری از انقلاب‌ها و قیام‌های آزادی‌خواه و رهایی‌بخش که بعد از سال ۶۰ هجری قمری به وجود آمده به نحوی از انقلاب کربلا تأثیر پذیرفته است و رهبران نهضت‌های اسلامی به امام حسین (ع) اقتدا نموده و مبارزه علیه ظلم و ستم را از انقلاب عاشورا و رهبر آزادگان جهان امام حسین (ع) آموخته‌اند (عادلی حسینی، ۱۳۹۱: کمیسیون برگزاری سمینار زندگی و کارنامه اهل بیت پیامبر عظیم‌الشان اسلام).

۴- صبر و استقامت

استقامت و مقاومت یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرائض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیاوردن. این‌ها اساس کار است. باید گفت لازمه رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرت‌ها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. این راه استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی و قرآن را در سراسر عالم برافراشته خواهد کرد و عدالت و مردم‌سالاری به معنای واقعی، کرامت انسانی و آزادی، با تأسی به آن تحقق پیدا خواهد کرد و این، وعده الهی است: خدای متعال وعده قطعی کرده است که «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال، اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. (خاری آرنانی و علی اکبر زاده آرنانی، ۱۳۹۴: ۷۲ و ۷۳).

در حادثه عاشورا استقامت و صبر در صحنه‌های مختلف مشاهده می‌شود و این صبر و استقامت است که عاشورا را تا الان ماندگار کرده است و الگویی برای تمدن‌سازی می‌باشد.

امام حسین (ع) در جایگاه‌های متعددی درباره صبر سخن گفته و اهل حرم را نیز به شکیبایی فرا می‌خواند. او خود عملاً درس استقامت و ایستادگی را آموزش داد و در برابر دشمن تنها ایستاد، صبر کرد و تسلیم نشد و در آخرین لحظات زندگی فرمود: «ای پروردگاری که جز تو هیچ معبودی نیست، بر قضای تو صبر می‌کنم»، «ای پناه بی‌پناهان بر فرمان تو صبر می‌کنم» و این صبر تا آنجا ادامه پیدا می‌یابد که با حال عطش شهید می‌شود، اما تسلیم دشمن نمی‌گردد، بلکه در آخرین لحظه به قاتل خود لیخنه می‌زند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

اسوه‌های ایثار و مقاومت

کربلا صحنه‌ی ایثارها، از جان گذشتگی و مقاومت مردان خدا بود که درس ایثار را از امام خویش آموخته بودند.

الف) ایثار و مقاومت امام حسین (ع)

۱- او آزاد مردی بود که تا آخرین قطره‌ی خون خود را فدای راه خدا کرد. فرزندان و اهل بیت خود را در راه حق داد. یاران صدیق و دوست داشتی خویش را به مذبح برد.

او راضی شد که در راه حق خانواده‌اش (زنان و کودکان) اسیر شوند. چرا که دین خدا یاری می‌طلبید و این خون‌ها اسلام را زنده می‌کرد. یعنی خدا دوست داشت آن‌ها را اینگونه ببیند.

آری این امام حسین (ع) است که وقتی او را با تیر می‌زند، کف دست خود را از خون خویش پر می‌کند و بر سر و روی خویش می‌ریزد و می‌فرماید: «(می‌خواهم) خدا را اینگونه آغشته به خون ملاقات کنم.»

۲- وقتی دشمن به امام (ع) وعده‌های جذاب و فریبنده می‌دهد، حضرت فریب نمی‌خورد و قبول نمی‌کند و مقاومت می‌نماید.

۳- حوادث سخت، عزم امام را راسخ‌تر می‌کند و از این رو هنگامی که خبر شهادت مسلم و هانی را شنید فرمود: «بعد از اینان دیگر خیری در زندگی نیست.»

ب) ایثار و استقامت یاران

۱- شب عاشورا اوج ایثار و وفاداری:

امام حسین (ع) یارانی وفادار داشت، درحالی که می‌دانند فردا شهید می‌شوند، ولی در کنار حسین (ع) وفادارانه و مردانه می‌ایستند و مرگ همراه با امام را شرف می‌دانند.

۲- وقتی حضرت از قاسم بن حسن (ع) سؤال می‌کند که: «فرزندم مرگ در نظر تو چگونه است؟» جواب می‌دهد: «ای عمو مرگ در نظر من از عسل شیرین‌تر است.»

۳- امام حسین (ع) یارانی داشت که تا وقتی زنده بودند اجازه ندادند امام‌شان به میدان نبرد برود، بلکه آنقدر ایثار داشتند که تا هنگام شهادت اجازه ندادند خاندان امام نیز به میدان نبرد بروند و تنها بعد از شهادت آن‌ها بود که اهل بیت یکی پس از دیگری به میدان نبرد رفتند و شهید شدند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۹۹ تا ۱۰۲)

حضرت زینب کبری (س)

در حادثه کربلا، زینب علیها السلام، در حالیکه غم از دست دادن عزیزترین افراد قلب نازنین زینب علیها السلام را می‌آزرد، سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام آغاز شد و با توجه به بیماری امام سجاد علیه السلام قافله سالاری این کاروان غم زده و مصیبت دیده، به عهده زینب بود. این سفر با وقایع تلخی از جمله: نشان دادن سرهای بریده شهدا بر سر نیزه‌ها، بی‌تابی کودکان یتیم و ماتم زده و خسته، بیماری امام سجاد علیه السلام که با حالتی بسیار اسفبار و دلخراش به همراه کاروان در حرکت بود، هتک حرمت حرم رسول خدا، شادمانی مردم کوفه و خارجی خواندن خاندان پیامبر اسلام و صدها فجایع و مصیبت دیگر، مصیبت‌هایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان کافی است؛ اما زینب کبری علیها السلام همچون کوهی سترگ و استوار، با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام وظیفه افشاگری ظلم بنی امیه را به خوبی انجام داد و نهضت حسینی را به جهانیان عرضه کرد. (صادقی: ۱۳۹۱: ۴۷) حضرت زینب (س) در خطبه شان خطاب به یزید می‌فرماید: «اکنون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردی و هم‌چون اسیران ما را از این سو به آن سو کشاندی به گمانت برای ما نزد خدا پستی است و برای تو شرف؟ آیا فراموش کرده‌ای که خدا در کتاب خود می‌فرماید: «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلْمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۳. زینب (س) سخن خود را بدین جمله پایان داده و فرمود:

«ای یزید! پس هر حيله داری به کار بر و ان چه می توانی بکوش؛ به خدا سوگند که نیکنامی ما از میان نمی‌رود و این لکه ننگ از دامان تو شسته نخواهد شد.» (صدر و خسروشاهی، ۱۳۷۷: ۱۵۰ تا ۱۵۳)

رمز موفقیت و راز جاودانگی انسان در همیشه تاریخ بستگی به استقامت و پایداری در مقابل سختی‌های راه دارد و امام حسین (ع) با استقامت و آزادگی خود در برابر بنای شرک و اساس کفر و الحاد و بذل جان و تمام هستی خود در این راه مقدس، باعث دمیدن روح پایداری و آزادی در میان مردم شد، به طوری که در قیام‌های بعد از آن حضرت، این امر به خوبی مشهود است. اگر آزادی خواهان و آزادگان جهان، در راه استقلال و رهایی از ستم و طاغوت‌ها می‌جنگند و الگویشان قهرمانی‌های شهدای کربلاست، در سایه همین درس «آزادگی» است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲)

^۳ کسانی که کافر هستند پندارند که مهلت دادن ما به ایشان به سود آن‌هاست؛ ما فقط برای این آن‌ها را مهلت می‌دهیم که بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذابی خوار کننده خواهد بود.

با توجه به مباحث مطرح شده و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید»^۴ می توان به این نتیجه رسید که ایستادگی و مقاومتی که در فرهنگ عاشورا وجود دارد می تواند الگوی خوبی برای ملت و کشور ما باشد به منظور طی کردن مسیری که دستیابی به قله های تمدن را در پی دارد.

۵- عدالت گستری

در اسلام خداوند مظهر عدل کلی است و در نظام آفرینش او جز داد و دادگری و دادگستری وجود ندارد. اساس آفرینش در تمام ابعاد و زندگی موجودات بر مدار عدل و داد استوار است. خداوند خود به عدل و داد فرمان می دهد و مردم دادگر را دوست می دارد. ایمان به عدل و داد الهی و وجود آن در سرتاسر جهان هستی و بناشدن آن بر علم و حکمت خداوند، نقش بزرگی در زندگی سیاسی انسان و نوع اندیشه های او و حرکت به سوی کمال، ترقی و توسعه و ایجاد تمدن ایفا می کند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

با اعتقاد به مسئله عدل و تاثیر سیاسی و اجتماعی آن است که انسان مبارز و فعال، خود را در محضر عدل الهی احساس می کند و لذا رفتار خود را به گونه ای تنظیم می نماید که تحقق بخش عدل الهی در جامعه بشری باشد و این امر زمینه ساز ایجاد تمدن بر محور عدل و قسط می شود (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۲).

عدالت، فرمان خدا و رسول است و دامنه آن همه امور زندگی را در بر می گیرد، اما جهت بارز و عمده آن، عدالت اجتماعی و مراعات حقوق افراد از سوی حکومت هاست و حکومت جائز و سلطه ستم از زشت ترین منکراتی است که باید با آن مبارزه کرد. امویان هم به اهل بیت پیامبر ستم کردند، هم میان بندگان خدا رفتاری ظالمانه و روشی براساس طغیان و عدوان پیش گرفتند. تکلیف اسلامی هر مسلمان ایجاب می کرد که با ستم مبارزه کند، بویژه کسی همچون اباعبدالله (ع) که در موضع امام حق، تکلیف سنگین تر و بیشتری داشت. آن حضرت در یکی از سخنرانی های خویش، با استناد به سخن حضرت رسول (ص) که قیام علیه سلطه جائزانه را لازم می شمارد، خود را شایسته ترین فرد برای قیام جهت تغییر حکومت و ساختار سیاسی قلمداد فرمود. در سخن دیگر حرکت خویش را برای اقامه عدل و رفع ظلم از مظلومین و ایمنی یافتن بندگان خدا یاد کرد: «و یَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ».

ماهیت عدالتخواهی در قیام عاشورا و ظلم ستیزی امام حسین (ع) سرمایه الهام ملت ما در قیام بر ضد طاغوت بود. امام خمینی بر این ماهیت در نهضت سیدالشهدا تصریح کرده می فرماید: سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود.

عدالت به معنای برخورداری همه از حقوق اسلامی و انسانی و رعایت یکسان حق میان همه و همه را به یک چشم دیدن نیز در نهضت عاشورا متجلی است. امام حسین (ع) روز عاشورا بر بالین همه شهیدان حاضر شد، چه جوان خودش و چه غلامش، چه مولی و چه نوکر، همه ار عنایت آن حضرت برخوردار شدند (محدثی: ۱۳۸۳).

در آموزه های اسلامی و پیشوایان دینی، عدالت اهمیت بسزایی در دوام و پایایی و رشد و پویایی جامعه دارد و جامعه متمدن اسلامی آن است که در اجرای عدالت و تامین حقوق همه مردم بر اساس شایستگی های آنان می کوشد. بر این اساس بهره‌مندی از نظام پیدارنده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته های تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می رود و نادیده انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی هستی است. رهبری انقلاب با اشاره به موضوع عدالت گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده اند: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی، ظاهری و بادکنکی است. لذا شاخصه عدالت از مهمترین خصوصیات تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی است؛ چراکه در مکاتب غربی مثل لیبرالیسم نه تنها جایی برای تحقق عدالت و حفظ کرامت انسانی وجود ندارد، بلکه به فرموده رهبر انقلاب عمیق تر شدن فاصله و شکاف طبقاتی را شاهد هستیم» (خاری آرانی، علی اکبرزاده آرانی، ۱۳۹۴: ۷۰).

سیدالشهدا پیام دار بزرگ عدالت خواهی است. در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا به لشکریان دشمن فرمودند: "به حمایت و پشتیبانی دشمنانان علیه پیشوایانان به پا خاستید؛ بدون اینکه این دشمنان قدم عدل و دادی به نفع شما بردارند." این چه داستانی است که در درون بعضی رخ می دهد و به جایی می رسد که وقتی در مسیر، حضرت امام از فرزدق شاعر پرسید کوفه را چگونه دیدی گفت: قلبهایشان با شماست، درحالی که شمشیرهایشان بر شماست. حسینی می اندیشند و یزیدی عمل می کنند. آیا جز این است که عدالتخواهی،

^۴ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

آزادی درونی می خواهد و انسان اگر درون را نساخته باشد گوش به حق نخواهد سپرد و حتی امامش را چنین به فریاد وا می دارد که: "وای بر شما چرا گوش فرا نمی دهید تا گفتارم را که شما را به رشد و سعادت فرا می خواند بشنوید." (حاج محمدی، ۱۳۸۲: ۲۹ و ۳۰)

عدالت بر مدار اصول و مفاهیم فطری استوار است، زیرا که مفهوم مشترک انسانی است و ناشی از امور ثابتی است که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است. از این رو تمدن نوین اسلامی اساس توسعه را بر عدالت اجتماعی و نفی تبعیض نژادی یا قومی و ریشه کنی فقر برای برساختن آینده ای امت محور قرار داده است. در صورت توسعه عدالت محور است که تمدن نوین اسلامی قادر است آینده ای را رقم بزند که مفاهیم خطی پیشرفت را با مفاهیم دوری توسعه در بستر زمان همبسته و همپیوند سازد و رشد اقتصادی را با توزیع اقتصادی، تعالی معنوی و توسعه سیاسی همگون و سازگار گرداند. توجه به حقوق و آزادی های اساسی شهروندان و تقویت جامعه مدنی برای پاسخ دیالکتیکی آن به نقش آفرینی اسلام سیاسی و رعایت کرامت انسانی و ارتقای معنویت آگاهی و در نهایت رعایت اعتدال و توازن در جامعه یعنی دوری از افراط و تفریط از جمله پیامدهای توسعه عدالت محور است که موجب برقراری نوعی موازنه صحیح در مناسبات اجتماعی براساس شایسته سالاری و فضیلت مداری می شود (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۰۱ و ۱۰۲).

ایجاد تمدن نوین اسلامی در گستره عظیمی مدنظر است. زمانی می توان از تمدن نوین سخن گفت که به خواسته فطری بشر یعنی اقامه عدل و داد پایبند باشیم. امام حسین (ع) در قیام خود توانست با مقابله با دستگاه ظلم زمان خود، زمینه ایجاد عدالت را در همه زمان ها به وجود آورد. در تمدن نوین توجه به عدالت و برخورد مساوی با همه اقشار و طبقات مختلف اجتماعی ضروری است.

۶- شهادت طلبی

از جمله نمادهای فرهنگی سیاسی شیعه، که در گسترش آن نقش مؤثری داشته است، ایدئولوژی منحصر به فرد آن بود. ایدئولوژی که کانون آن ایثار و شهادت در مبارزه با ظلم و بی عدالتی است. در رأس این ایدئولوژی ائمه معصومین (ع) عالمان شیعی و روحانیون و دیگر بزرگان دینی قرار داشتند. در واقع روحیه ایثار و شهادت طلبی در مکتب شیعه، یکی از ارزش های سیاسی و اعتقادی شیعیان است. شیعه اعتقاد خاصی به شهادت دارد. با مروری بر تاریخ زندگانی ائمه (علیهم السلام) می بینیم که تمامی آن ها به دست دشمنان، مقتول یا مسموم شده اند. این ارزش بزرگ، با نام حسین بن علی علیه السلام در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است و شیعیان لقب سیدالشهداء را برای او از هرکس دیگری مناسب تر می دانند؛ زیرا شهید با ایثار قطرات خورش در پیکر جامعه، خونگرم و زنده ای را به جریان می اندازد و راه خدا را باز می کند و سدها و موانع را برمی دارد (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۱).

در حقیقت در اسلام، هیچ امری بعد از اصول دین بالاتر و مهم تر از رهبری و زمامداری نیست. زیرا همه حدود و احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر تنها با وجود ولایت و حکومت عدل تحقق پیدا می کند و در همین راستا خداوند در قرآن از لزوم اطاعت از رهبران حق بعد از اطاعت از ذات اقدس الهی و پیامبرانش یاد کرده است (نیک خو، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

در زمان امامت حضرت سیدالشهدا یزید علیرغم روش پدرش علنا فسق و فجور می کرد و هیچ ابایی نداشت و هیچ سابقه ای در اسلام نداشت و میان صحابه مشروعیّت نداشت و از طرفی تعداد زیادی از مردم کوفه برای همراهی با امام اعلام آمادگی کرده بودند. در این شرایط امام دید اگر از این فرصت برای افشای چهره واقعی بنی امیه استفاده نکند، چیزی از دین خدا باقی نمی ماند و قیام کرد. نتیجه قیام امام و یارانش این بود که حرکت اصلاح طلبانه ایشان در صورت امکان منجر به تشکیل حکومت اسلامی می شد و در غیر این صورت با شهادت خود و یارانش به هدف بزرگ خود که احیای دین بود، می رسید (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۹۵). اسلام به مسلمانانش زنده است و اگر مسلمانان تحت ولایت حکومت طاغوت قرار می گرفتند، از اسلام چیزی باقی نمی ماند. در واقع امام با قیام خود قصد این داشت که احکام دینی را احیا کند و جلوی انحرافات را بگیرد (مستحسن، ۱۳۹۳: ۹۳).

امام حسین (ع) در وصیت نامه اش به محمد حنفیه هدف خود را اصلاح امت اسلامی و تامین خیر و سعادت آنان معرفی کرده است و به دنبال آن می فرماید که می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. حال این که کدام منکر است که امام (ع) برای جلوگیری از آن تا سرحد شهادت پیش رفته است. این موضوع همان است که ایشان کنار قبر پیامبر (ص) در مناجات خود بیان می داشت و به حکومت رسیدن فرزند معاویه است. از این رو ایشان از عاشورا که آخرین فرصت بود، نهایت استفاده را برد و طی خطبه ای، فساد حکومت و شرایط دردناک جامعه ای اسلامی را افشا نمود و بیعت با یزید را ذلت و ننگ می شمرد. این پیام خطاب به همه جهانیان در همه اعصار است که مورد ظلم و ستم واقع شده اند به دور از محدودیت نژادی و مکانی. (نیک خو، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۱۴).

سخنان امام حسین ع با هر هنگام حرکت به سوی کوفه:

به زودی می روم و مرگ برای جوانمرد عار و ننگ نیست هنگامی که نیتش حق باشد و در حال اسلام جهاد کند و با جانش با مردان صالح مواسات کند و از شخص رانده شده از رحمت الهی جدا شود و با مجرم وداع کند. پس اگر زندگی کنم پشیمان نمی شوم و اگر بمیرم مذمت و ملامت نمی شوم. برای خواری همین بس که با ذلت و سرافکنندگی زندگی کنی.

شهادت طلبی در مسلک عاشوراییان بسان تنها راه رهایی از حاکمیت ضد ولایت مطرح است و به تبعیت از امام و پیشوایشان می‌دانستند که بقای دین و حیات اسلام، تنها با شهادت طلبی میسر است و این روحیه بود که در شب عاشورا حتی زمانی که بیعت را از گردن اصحاب برداشت، همگی به تاسی از مولایشان خود را آماده شهادت در راه خدا نمودند. این فرهنگ همان فرهنگ اهل بیت و فرهنگ عاشوراست که موجب شد که دل از تعلقات دنیوی برکنند و در راه حفظ نظام اسلامی ایثارگری نمایند. (نگارش، بی تا، ۱۱۸-۱۲۰).

مکتب عاشورایی با تحول در بینش‌ها و ارزش‌ها، انسان‌هایی را پرورش داد که برای دفاع از این مکتب، از جان و مال خویش می‌گذشتند و حتی پدر و پسر در میدان جهاد و شهادت بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند. در عرصه رفتار سیاسی اوج ایثار امام و یارانش، در گذشتن از جان و شهادت در راه هدف و آرمان‌های الهی تبلور پیدا می‌کند. امام زمانی که می‌خواست از مکه حرکت کند ضمن خطبه‌ای، از زیبایی مرگ در راه خدا سخن گفت و از همراهان خواست هر کس آمادگی کشته شدن در راه خدا را دارد، همراه ایشان برود (مزینانی، بی تا: ۸). امام خمینی فرموده است: «آنهايي که خيال می‌کنند حضرت سيدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر این سخن درست نیست بلکه اینها برای حکومت آمدند، برای این که باید حکومت دست مثل سيدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سيدالشهدا هستند، باشد» (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

عاشورا به این دلیل که تنها واقعه‌ای است که طی آن یکی از ائمه معصومان (علیهم السلام) همراه با یاران و بسیاری از اهل بیت به شکلی خاص و منحصر به فرد، که برانگیزاننده احساس و عواطف انسانی است، به شهادت می‌رسند، جایگاهی ویژه و نمادین در فرهنگ تشیع دارد و منشأ بسیاری از قیام‌ها و حرکت‌های انقلابی و خونین در تاریخ شیعه محسوب می‌شود. تأکیدها و سفارش‌های ائمه (علیهم السلام) بر بزرگداشت یاد و خاطره حادثه عاشورا، موجب گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در میان شیعیان شده است. ماجرای نهضت امام حسین (ع) در کربلا و وضعیت اهل بیت و اصحاب ایشان و عشق به شهادت در راه خدا و استقبال از آن با علم به شهادت و خوشحالی آنان در شب عاشورا همگی گواه صادقی است بر مشروعیت و فضیلت شهادت طلبی و استقبال از مرگ. در بسیاری از موارد یاد شده با اطمینان می‌توان گفت که آن بزرگواران خود در سلسله‌ی علل و اسباب شهادت خویش قرار دارند، و شاید مهم‌ترین علت و سبب مرگ و شهادت آنان، رفتارشان و شیفتگی‌شان از شهادت باشد. حتی یکی از تحلیل‌های قوی و معتبر از قیام ابا عبدالله (ع) این است که آن حضرت چون می‌دانست با حیات خود نمی‌تواند اسلام را از خطر حکومت بن یامیه نجات دهد، با مرگ و شهادت خویش این مهم را تحقق بخشید و مشعل هدایت بشر و اسوه‌ی مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شد (خاقانی آور، ۱۳۹۰). وجود شهامت گذشتن از جان از روی آگاهی و علم، پتانسیل فراوانی را در جوامع اسلامی ایجاد می‌کند که بر علیه حکومت جور بایستند و تسلیم نگردند، بدین ترتیب که تا تحقق کامل اهداف الهی و پیاده کردن احکام و قوانین الهی ادامه می‌یابد.

برای تکوین تمدن نوین اسلامی لازم است افرادی وجود داشته باشند که با پیروی از راه سیدالشهدا برای دستیابی به آرمان‌های متعالی اسلامی همواره دارای روحیه از خودگذشتگی و شهادت طلبی باشند. اگرچه جان آدمی عزیز است، اما سیدالشهدا به ما آموخت که گاهی بهای احیای ارزش‌های والای انسانی و اسلامی، گذشتن از جان است. بنابراین ما در مکتب امام حسین (ع) آموخته ایم تا زنده ایم در راه و هدف خود موثر باشیم و در غیر اینصورت با گذشتن از جان خود ارزش‌هایمان را زنده نگه داریم.

نتیجه گیری

عاشورا صحنه کاملی از عوامل زمینه‌ساز تمدن را در خود پرورانده است و با اغنایی که در این زمینه فراهم آورده است بارها و بارها توسط آزادخواهان جهان مورد توجه قرار گرفته است و قابلیت این را دارد که به عنوان الگوی مجسمی برای حرکت در مسیر تمدن‌سازی مورد توجه جهان اسلام قرار گیرد. لذا این مقاله در حد توان خویش مولفه‌هایی چند از این حرکت عظیم را گردآوری نموده و به تبیین نقش آن‌ها در تمدن‌سازی پرداخته است. این مولفه‌ها عبارتند از: ظلم‌ستیزی، اصلاح‌طلبی، آزادگی و عزت، صبر و استقامت، عدالت‌گستری و شهادت‌طلبی.

- ظلم‌ستیزی اصل روحیه سازش‌ناپذیری را با ظلم و ستم را ایجاد می‌نماید و فرهنگ عاشورا با ابعادی که در این مسیر گام برداشت این مهم را به جهانیان آموخت که در برابر ظلم سکوت نکنند و حرکت‌آفرین باشند. مجموع این حرکت‌ها گامی است در ادامه انقلاب اسلامی برای تحقق تمدن نوین اسلامی.

- اصلاح‌طلبی حق‌طلبی را به بار می‌آورد و اصل امر به معروف و نهی از منکر را تداعی می‌کند. بینش و نگرش قوی امام موجب شد که انحراف از دین پیامبرش را درک کند و برای اصلاح جامعه اقدام نماید. عاشورا این درس را می‌آموزد که برای اصلاح اجتماع و حکومت گاهی باید تا پای جان پیش رفت و حکومت الهی را جایگزین حکومت طاغوت و گمراه زمان نمود.

- در آموزه‌های دینی آمده که هیچ مسلمانی نباید زیر بار ظلم هیچ شخص یا حکومتی قرار بگیرد. حفظ شانیت فرد مسلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که در روایات فراوانی به آن پرداخته شده است. سیدالشهدا (ع) تحت هیچ شرایطی نپذیرفت که با حکومت جور بیعت

نماید و به هیچ وجه حاضر نشد که به قیمت حفظ جان خویش و اعوان و انصار تن به ذلت دهد و تحت حکومت بنی‌امیه قرار گیرد. نتیجه این شد که ملتها با الگو گرفتن از قیام عاشورا، مبارزه با ظالمان حاکم را برای بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی آغاز کردند.

- ایستادگی و مقاومت در راه رسیدن به آرمان الهی در تمام وقایع عاشورا مشهود است. صبر امام حسین (ع) بی‌نظیر است. ایشان در طول یک روز حوادثی را تجربه نمود که هیچ انسانی را تاب مقابله با آن نیست اما ایشان در حالی که عزیزترین کسانش را از دست می‌داد، به کارها رسیدگی می‌کرد و چنان به دشمن حمله می‌برد که آن‌ها می‌گریختند. صبر جلوه‌های فراوانی در عرصه عاشورا داشت. چه در روز عاشورا و چه بعد از شهادتشان تا این فرهنگ عظیم به امتشان منتقل شود. در واقع درست است که این فرهنگ بی‌بدیل در آن زمان به تمدن ختم نگردید اما در راستای آن قدم گذاشت و راه را برای تحقق نوین اسلامی باز نمود.

- اجرای عدالت از ملزومات جامعه دینی است و عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته های تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می‌رود. تمدن اسلامی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که همگان از موهبات یکسانی برخوردار گردند. در زمان امام حسین نیز نگاه یکسان به افراد جامعه وجود نداشت و در توزیع اقتصادی و سیاسی عدالت رعایت نمی‌شد و ایشان این عدول حکومت را برتافت و نهضت عاشورا در جهت حکومت عادلانه دینی برپا شد.

- در فرهنگ عاشورا اوج ایثار تبلور یافته است و افراد از بذل جان برای ایجاد حکومتی که در راس آن امام زمان خویش و خدا محوری حاکم باشد شهادت‌طلبی هیچ واهمه‌ای نداشتند. امام (ع) با تمام قوا و با نهایت ایثار در راه استقرار حکومت جدش وارد عمل شد و شهادت‌طلبی را در تار و پود جامعه دینی نهادینه کرد. لازمه تغییرات بزرگ در عرصه جهانی، پذیرش ایثار با تمام ابعاد آن است. چنان‌که در ادامه انقلاب اسلامی ایران و در موج بیداری اسلامی، این روحیه کاملاً قابل مشاهده است.

منابع

- [۱] آقانهانی، مرتضی (۱۳۸۵). یاران شیدای حسین بن علی (ع)، چاپ سوم، تهران: صادق آل محمد (موسسه فرهنگی و آلاء منتظر).
- [۲] باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۲) "عوامل پایداری و جاودانگی نهضت عاشورا، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۷.
- [۳] بینا، بیتا، «بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و عرفانی نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام». فصلنامه معرفت. شماره ۳۴.
- [۴] تقوی، علی؛ صادقی، حسین (۱۳۸۲). درس صبر و استقامت در مکتب زینب علیها السلام، مجله مبلغان، شماره ۴۵.
- [۵] صدر، سیدرضا؛ خسروشاهی، سیدباقر (۱۳۷۷). استقامت، قم: موسسه بوستان کتاب.
- [۶] خاری آرانی؛ مجید و علی اکبر زاده آرانی؛ زهرا (۱۳۹۴)، مبانی و مولفه های تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- [۷] خاقانی آور، راضیه. (۱۳۹۰). «ایثار و شهادت در آموزه‌ی سیاسی- فرهنگی شیعه». مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت، دانشگاه زنجان، مندرج در سایت نوید شاهد، ۱۳۹۰، به آدرس: <http://www.navideshahed.com/fa/print.php?UID=260964>
- [۸] جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- [۹] حاج محمدی، محمد (۱۳۸۲). اهداف حسینی و عملکرد ما، تهران: فروغ نور.
- [۱۰] خرمشاهی، محمدباقر. (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی». فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۲۳.
- [۱۱] خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). ولایت فقیه: حکومت اسلامی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۲] دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم اندازها، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.

- [۱۳] رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۹). **آموزه های تربیتی عاشورا**، اصفهان: شهید مسلم.
- [۱۴] رودگر، محمدجواد (۱۳۸۱). **اصلاح گرایی در نهضت عاشورا**، رواق اندیشه، شماره ۱۵.
- [۱۵] سبحانی نیا، محمدتقی (۱۳۹۵). **تاثیر قیام عاشورا بر تمدن سازی اسلامی**، خبرگزاری رسمی حوزه.
- [۱۶] سلیمانی امیری، جواد (۱۳۹۳). **تحولات جامعه مسلمین از رحلت پیامبر(ص) تا عاشورا**، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان.
- [۱۷] شجاعی، هادی. (۱۳۹۴). «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازی تمدن نوین اسلامی». **مجموعه مقالات نوین اسلامی**. تهران: دانشگاه شاهد.
- [۱۸] صادقی ارزگانی، محمد امین (۱۳۸۶). **جلوه های عرفانی نهضت حسینی**، قم: موسسه بوستان کتاب.
- [۱۹] طوقانی، ابودر (۱۳۹۲). **تمدن اسلامی، بستر سعادت و تکامل بشر، تمدن اسلامی، از ظهور تا ثبوت**، پایگاه تخصصی معارف اهل بیت (ع).
- [۲۰] عادل حسینی، سیدجعفر (۱۳۹۱)، **اثرات قیام امام حسین(ع)**، کمیسیون برگزاری سمینار «زندگی و کارنامه اهل بیت پیامبرعظیم الشان اسلام(ص)
- [۲۱] عروتنی موفق، اکبر (۱۳۸۵). **پیامبر اعظم (ص) بنیانگذار تمدن اسلامی** " مجله معرفت ، شماره ۱۱۰.
- [۲۲] علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۵). **تنها علاج: با امام حسین(ع) به همه جا می توان رسید**، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- [۲۳] غلامی، نادر و حمیده حسن خانی. (۱۳۹۴). «کیفیت برنامه‌ریزی برای تشکیل دولت تمدن بزرگ اسلامی جهانی امام عصر (عج)». **مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی**. تهران: دانشگاه شاهد.
- [۲۴] کرمی، علی (۱۳۹۴) " قرآن و جلوه های عزت و آزادی در نهضت امام حسین علیه السلام، **مجله فرهنگ جهاد**، شماره ۲۹.
- [۲۵] نجفی، محمدجواد؛ رهبر، حمید (۱۳۸۸). **بررسی تحلیلی انگیزه های قیام امام حسین (ع) از بعد کلامی شیعه**، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۲۵.
- [۲۶] محدثی، جواد (۱۳۸۳). **پیام های عاشورا**، قم: فراز اندیشه.
- [۲۷] مرکز مطالعات راهبردی خیمه. (۱۳۸۸). **عاشوراناامه**، جلد دوم، قم: انتشارات خیمه.
- [۲۸] مزینانی، محمدصادق. بی تا. «درس‌ها و عبرت‌های عاشورا در عرصه رفتار سیاسی». **فصلنامه حکومت اسلامی**. شماره ۲۷.
- [۲۹] مستحسن، عبدالله. (۱۳۹۳). **سفری از عاشورا تا اربعین**. قم: مشهور.
- [۳۰] مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). **اسلام و تمدن جدید**. تهران: صدرا.
- [۳۱] مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). **شهید و شهادت**. تهران: انتشارات صدرا.
- [۳۲] مظفری، آیت. ۱۳۸۷. **شاخص های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله**، مندرج در سایت راسخون
- [۳۳] نجفی، محمدجواد؛ رهبر، حمید (۱۳۸۸). **بررسی تحلیلی انگیزه های قیام امام حسین(ع) از بعد کلامی شیعه**، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۲۵.

[۳۴] نظری منفرد، علی. (۱۳۹۳). نهضت‌های پس از عاشورا. قم: سرور.

[۳۵] نعمه سماوی. محمد. ترجمه موسی دانش. (۱۳۸۷). امام حسین (ع) و پگاه پیروزی/ج ۲. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

[۳۶] نگارش، حمید. بی تا. «شاخص‌های فرهنگ عاشورا». فصلنامه پیام. شماره ۸۶.

[۳۷] نورانی نژاد، حسین و همکاران. (۱۳۸۳). عاشورا در گذار به عصر سکولار. تهران: کویر.

[۳۸] نیک‌خو، مهدی. (۱۳۸۴). عاشورا شکوه عزت و افتخار. قم: دارالثقلین.

[۳۹] شاخص‌های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم (ص) <http://rasekhoon.net/article/show/114833>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی